

همه چیز دان

همیشه داشتن اطلاعات با مشکل روبه‌رو بوده، مثلاً قدیم برای پیدا کردن جواب یک سؤال ساده، باید راه می‌افتادی از این سر شهر به آن سر، در جست‌وجوی کتابی که جواب سؤال را داشته باشد و به کارت بیاید، تازه اگر شانس با شما یار بود و پیدا می‌شد! در غیر این صورت ناچار بودی خانه و زندگی‌ات را رها کنی و خودت را برسانی به یک کتابخانه معروف در پایتخت و حتی ممکن بود در این بین هرگز جواب سؤال را پیدا نکنی! به همین خاطر بود که سال‌ها بعد، با پیشرفت فناوری و اوایل سال ۲۰۰۱ میلادی، سایتی مثل ویکی پدیا تأسیس شد. و با این‌که دسترسی ما به داده‌ها راحت‌تر شده است، همچنان سایه یک سری مشکلات جدید بر سر ما سنگینی می‌کند.



طبل تو خالی اطلاعات

دیگر عادت کرده ایم برای هر مشکلی اولین اقدام مان سرچ کردن باشد و برای هر سؤال بی جوابی، دست به دامن ویکی پدیا بشویم؛ حتی وقتی سؤال‌های یکپوویی و بی ربط به ذهن مان می‌رسد، مثل این‌که «آیا معده زرافه در گردش قرار دارد؟»

با این حال بعضی‌ها هستند که به اصطلاح، شور ما چرا درمی‌آورند؛ همان‌هایی که ادعای همه چیزدان بودن شان گوش همه را گرمی‌کنند ولی طبل تو خالی اند. اینها هر جا که می‌روند، پا روی پا و باد در غیغ می‌اندازند و با صدای رسا درباره فلان موضوع مهم صحبت می‌کنند، جوری که اگر متخصص آن بحث آنجا نشسته باشد، به همه دانسته‌های درست و غلطش شک می‌کند. این اشخاص معمولاً برای هر اتفاق و ایده‌ای حرف دارند، از همه چیز سر در می‌آورند و اصلاً انگار که کتابخانه سیار هستند. همین‌ها وقتی که نقاب عالم بودن شان می‌افتد، اصولاً چیز خاصی برای ارائه ندارند، هر چه می‌دانند سطحی از یک عمق است. اینها معمولاً دکتر هم نمی‌روند، علائم بیماری‌ها را سرچ می‌کنند و داروی دردشان را هم از همان جات تهیه می‌کنند.

این آدم‌های ویکی پدیایی هر چه می‌دانند، چه درست و چه غلط، چه ناقص یا کامل، همه را به عنوان اصل و داده‌های اثبات شده در جمع دوست و آشنا بیان می‌کنند. در محیط کار هم این‌گونه هستند، با همان ظاهر همه چیزدان و همه‌کاره شان، مسؤولیت‌های سنگین قبول می‌کنند اما در عمل، هیچ‌کاره‌اند.

عاقل باش!

این جمله که قدیمی‌ترها می‌گفتند: «هر حرفی را باور نکن» یا مثلاً «شنونده باید عاقل باشد» هنوز هم صدق می‌کند؛ با این تفاوت که این روزها علاوه بر آدم‌ها نباید به داده‌ها هم راحت اطمینان کرد و چشم و گوش بسته هر چه را گفته شد پذیرفت. در طول این ۲۲ سال، ویکی پدیا خطاهای مختلفی داشته و به همین علت نمی‌شود اعتبار صد درصدی برای آن قائل شد؛ نه این سایت، بلکه داده‌های سایت‌های دیگر و حتی کتاب‌ها، کاملاً بی نقص نیستند و معتبر بودن شان تضمینی نیست.

این‌که ما در برابر هر آنچه می‌بینیم یا می‌شنویم، تسلیم باشیم و بی چون و چرا آن را بپذیریم، طی زمان دردسرساز بوده و هست؛ مخصوصاً زمانی که آن داده را به عنوان یک مطلب مهم یا جالب، با دیگران به اشتراک می‌گذاریم و این یعنی: نشر اطلاعات اشتباه در دل یک جامعه.

همین داده‌های کوچک، قطره قطره تبدیل به دریایی از اطلاعات و تفکرات غلط می‌شود و چه چیزی از این بدتر که مردم یک جامعه دانسته‌هایشان غلط باشد؟! برای همین هم این روزها داشتن سواد رسانه‌ای به این اندازه حیاتی شده، زیرا هر زمان آدمیزاد سواد برخورد با پدیده‌ای را نداشته، ضرر کرده است.

معضلی جدی

معضل وقتی عمیق‌تر می‌شود که پای تحقیق‌های مدرسه‌ای به میان می‌آید و دانش‌آموزانی که طبق معمول به دنبال سریع‌ترین و راحت‌ترین راه حل ممکن هستند. اینجاست که برای نوشتن یک تحقیق، تمام مطالب اولین سایت را کپی می‌کنند و تحویل دبیر می‌دهند. اگر هم دبیر کمی جدی باشد و سخت نمره بدهد، کمی جمله‌ها را جابه‌جا می‌کنند، چند جمله بیشتر هم ضمیمه‌اش می‌کنند تا بلکه تایید شود؛ دیگر مهم نیست آن داده‌ها را چه کسی نوشته، از کجا نوشته و اصلاً چقدر اعتبار دارد.

و البته سیستم آموزشی هم در این بین بی‌تقصیر نیست؛ وقتی دانش‌آموز در دوران تحصیلش، تحقیق کردن و نوشتن یک مقاله علمی و اصولی را یاد نگیرد و نداند، برای این کار باید چه مرحله‌ای را طی کند، در طول ۱۲ سال تحصیل، از او تحقیق اصولی خواسته نشود و شرایط انجام آن در مدرسه برایش محقق نشود، نتیجه‌اش می‌شود همین اوضاع کنونی!

برای همین هم تبدیل شدن از دانش‌آموز هیچ‌کاره به دانشجوی همه‌کاره به مراتب سخت‌تر است زیرا در فضای دانشگاه همه چیز علمی‌تر و اصولی‌تر پیش می‌رود و از دانشجویان، تحقیق‌هایی به مراتب بهتر انتظار می‌رود. همین جاست که دانشجوی بی‌تجربه، تازه باید به دنبال یادگیری فوری مهارتی برود که می‌بایست چند سال قبل در مدرسه آموزش می‌دیده است.



به رب به جمعه

ضمیمه نوجوان

شماره ۱۳۲ ■ ۲۲ دی ۱۴۰۱

نوجوان
www.najvan.com



مریم شاه‌پسندی